

نقش حقوق شهروندی در مأموریت‌های کشف جرم

دکتر حسین شریفی^۱، محمد بارانی^۲ و وحیدالدین جهانیان^۳

تاریخ دریافت: ۸۶/۱/۳۱

تاریخ پذیرش: ۸۶/۶/۲۹

چکیده

حقوق شهروندی، که در سال‌های اخیر در ادبیات حقوقی - سیاسی کشورمان رواج یافته و در محافل دانشگاهی و میان صاحبان فکر، قلم و اندیشه رونق پیدا کرده است. هدف این پژوهش بررسی آن دسته از متغیرهای حقوق شهروندی است که نوع برخورد با آنها می‌تواند اثر مثبت یا منفی در کشف جرائم ایفاء کند. برای رسیدن به این هدف، با بهره‌گیری از ابعاد و شاخص‌هایی مثل احترام پلیس به مردم و آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی، دانش پلیس نسبت به مسائل حقوقی و علمی و نیز اجمال و ابهام قوانین شهروندی، چهار فرضیه را مطرح کرده است. این پژوهش به روش پیمایشی - تحلیلی طراحی گردیده و ضمن بهره‌گیری از قوانین و نظریه‌های موجود با ابزار پرسشنامه براساس طیف لیکرت و به صورت تمام شمار اقدام به نظر سنجی از ۶۱ نفر از صاحب‌نظران و کارشناسان کشف جرائم شاغل در پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا و اداره آگاهی تهران بزرگ شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، حاکی از تأیید هر چهار فرضیه تحقیق است. در مجموع، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سه فرضیه «احترام پلیس» و «آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی» و همچنین «دانش پلیس» نسبت به مسائل حقوقی و علمی به پلیس در کشف جرائم کمک می‌کند و فرضیه «اجمال و ابهام» موجود در سه بند قانون احترام به حقوق شهروندی مانع اقدامات پلیس در کشف جرم شده است.

واژگان کلیدی:

حقوق شهروندی / Citizenship Rights / علم کشف جرم / Criminilistics / تحقیقات جنایی / Investigations
Criminal / احترام پلیس و حقوق شهروندی / Police Respect to Ctizenship Rights / پلیس امنیت
Police Inteligence

□ استناد: شریفی، حسین، بارانی، محمد و جهانیان، وحیدالدین (پاییز ۱۳۸۶) «نقش حقوق شهروندی در مأموریت‌های کشف جرم» فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال دوم، شماره سوم: ۳۱۲-۳۳۱.

۱- استادیار دانشگاه امام حسین(ع)

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

۳- کارشناس ارشد فرماندهی مدیریت انتظامی

مقدمه

همان‌طور که می‌دانیم انسان مدنی الطبع است؛ یعنی دارای سرشت و طبیعت اجتماعی است. دوام و قوام این زندگی اجتماعی و خود جوش، نظم و امنیت اجتماعی است. و بر همین اساس افراد جامعه با شناخت عقلی و با توجه به سودمندی‌های نظم و قانون مقداری از آزادی خود را جهت تأمین نظم و امنیت به حکومت واگذار می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که نظم اجتماعی مبین شرایط و لوازم و یا توقعات اساسی زندگی اجتماعی است.

چرخه زندگی انسان در طول تاریخ همواره با نظم به عنوان ساده‌ترین قانون همراه بوده است و با رشد ابعاد گوناگون زندگی بشر و پیچیده شدن نیازهای او، قانونگذاری نیز به عنوان یک ضرورت اساسی شکل گرفته است.

اساساً قانونگذاری در راستای تکامل انسان و بر محور نیاز بشر می‌چرخد و نه خواست او؛ زیرا اگر قانون بر خواست و تمایل افراد استوار شود احتمال دارد از مسیر تکامل به سمت انحطاط منحرف شود. آنچه از خلال قانونگذاری به ذهن متبادر می‌گردد، حقوق و تکالیف افراد جامعه و چگونگی تنظیم روابط بین آنان است که موضوع قانونگذاری قلمداد می‌شود (انصاری، ۱۳۸۵، ص ۲).

علی‌رغم وضع قوانین متعدد به جهت پیشگیری از بروز اختلافات و تنظیم روابط فردی و اجتماعی انسان‌ها، تعدادی از افراد همواره با اعمال مجرمانه خود به حریم قانونی تعرض می‌کنند و در نتیجه این اعمال مجرمانه خود، باعث تزلزل آسایش و آرامش عمومی و اختلال در نظم جامعه و حقوق شهروندان می‌شوند. در عصر حاضر به دلیل پیچیدگی جوامع و گسترش شهرنشینی و بالطبع افزایش جرم، ضرورت پیشگیری از ارتکاب اعمال مجرمانه و کشف جرایم بر همگان روشن گردیده است. به استناد ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری و بند ۸ ماده ۴ قانون ناجا، کشف جرایم از وظایف پلیس به عنوان ضابط قضائی است.

از طرفی، یکی از حوزه‌های مهمی که بر رعایت حقوق شهروندی در آن حوزه تأکیدات متعددی در متون دینی و فقهی دیده می‌شود؛ فرآیند دادرسی کیفری به معنای عام از مرحله کشف جرم تا اجرای کامل حکم است. این مهم در اسناد بین‌المللی و قوانین دادرسی بسیاری از کشورها مورد توجه و تأکید ویژه‌ای قرار گرفته است (اداره کل اجتماعی و فرهنگی قوه قضائیه، ۱۳۸۶، ص ۵). در سیستم‌های جدید از زمان کشف جرم تا هنگام اجرای حکم مقامات ویژه‌ای عهده دار اجرای هر یک از مراحل دادرسی کیفری هستند. در این مرحله، هم بزه دیده، هم بزه‌کار و هم جامعه، حقوق و تکالیفی دارند که نادیده گرفتن آنها یکی از موارد مهم نقض حقوق شهروندی محسوب می‌شود. در کشور ما کشف جرم به عهده ضابطین دادگستری است (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۴، ص ۱۱).

برابر قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ ضابطین به دو دسته کلی یعنی ضابطین عام (مأمورین انتظامی) و ضابطین خاص (مانند مأمورین محیط

زیست در امر شکار و صید) تقسیم می‌شوند. همان‌طور که می‌دانیم بیشتر پرونده‌های کیفری چه آنهایی که با شکایت شاکی و چه آنهایی که با اعلام و اخبار ضابط دادگستری یا اشخاصی که از قولشان اطمینان حاصل شود و چه در جرائم مشهود که قاضی ناظر به آن باشد در اکثر موارد ضرورت دارد امکانات و ابزار لازم برای کشف علمی جرم در اختیار نیروی انتظامی قرار گیرد (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۴، ص ۱۳). چرا که در بین وظایف نیروی انتظامی، کشف جرم مهیاترین بستر برای جلوگیری از نقض حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع جامعه است. بدین سبب در این تحقیق ابعاد و مؤلفه‌های مرتبط با حقوق شهروندی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بتوان از این طریق شاخص‌های تأثیرگذار را شناسایی و از نتایج حاصل در جهت کشف جرایم و در پرتو حقوق شهروندی استفاده کرد.

حقوق شهروندی و رعایت آن ریشه در تعالیم دین مبین اسلام و شرع مقدس دارد. «لقد کرما بنی آدم و...» از مکتب اسلام برخاسته و آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق مدنی و سایر مقررات بین‌المللی آمده است، به نحوی سابقه طرح و بحث در فقه غنی اسلام دارد. وجود نیازهای مشترک از یک سو، محدودیت امکانات و کالاهای مورد نیاز انسان‌ها از طرف دیگر خواه ناخواه منجر به اختلاف و وقوع جرم در اجتماع می‌شود. از طرفی برقراری امنیت و آسایش عمومی و پیشگیری از وقوع جرم و جنایت و به تبع آن کشف جرم و تعقیب مجرم و تحویل او به مقامات ذیصلاح قانونی، از طرف یک نیرویی به نام پلیس امکان‌پذیر است. به استناد قانون، «کشف جرایم» یکی از وظایفی است که پلیس به عنوان ضابط قضائی بر عهده دارد و مکلف به انجام دادن آن است. همچنین پلیس در مأموریت کشف جرایم، ملزم به رعایت و اجرای قوانین حقوق شهروندی است. مسلماً حفظ ارزش والای انسانی و احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی در گرو اقدامات صحیح و عادلانه پلیس به عنوان ضابط دادگستری است.

علی‌رغم تأمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در اصول قانون اساسی و قوانین عادی در سال‌های اخیر توجه بیشتر به حقوق شهروندی و کرامت انسانی سبب شد تا در فروردین ۱۳۸۳ بخشنامه‌ای از سوی ریاست محترم قوه قضائیه به مراجع قضائی، انتظامی و اطلاعاتی کشور صادر شود. این بخشنامه مبنای تصویب قانونی موسوم به «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» شد.

نظر به اینکه قانون مذکور بر رعایت هر چه بیشتر حقوق افراد در مظان اتهام بخصوص در مرحله کشف جرم تأکید دارد. تعدادی از کارشناسان بعد از تصویب قانون احترام به آزادی‌های مشروع معتقد بودند که برخی از بندهای این قانون، مانع اقدامات پلیس در کشف جرم است (اداره کل اجتماعی و فرهنگی قوه قضائیه، ۱۳۸۴).

حال این سؤال مطرح است که نقش حقوق شهروندی به‌طور عام و قانون احترام به حقوق شهروندی به‌طور خاص، بر عملکرد پلیس در کشف جرایم چیست؟ بر همین اساس پژوهش

حاضر به دنبال آن است تا با نگاهی کارشناسانه و بهره‌گیری از ابعاد و مؤلفه‌های مرتبط با حقوق شهروندی و با تأکید بر قوانین و نظریه‌های موجود به سؤال‌های زیر پاسخ داده و در این فراگرد ضمن شناسایی عوامل مؤثر، راهکارهای مناسب برای بهبود وضعیت و رفع موانع موجود ارائه کند:

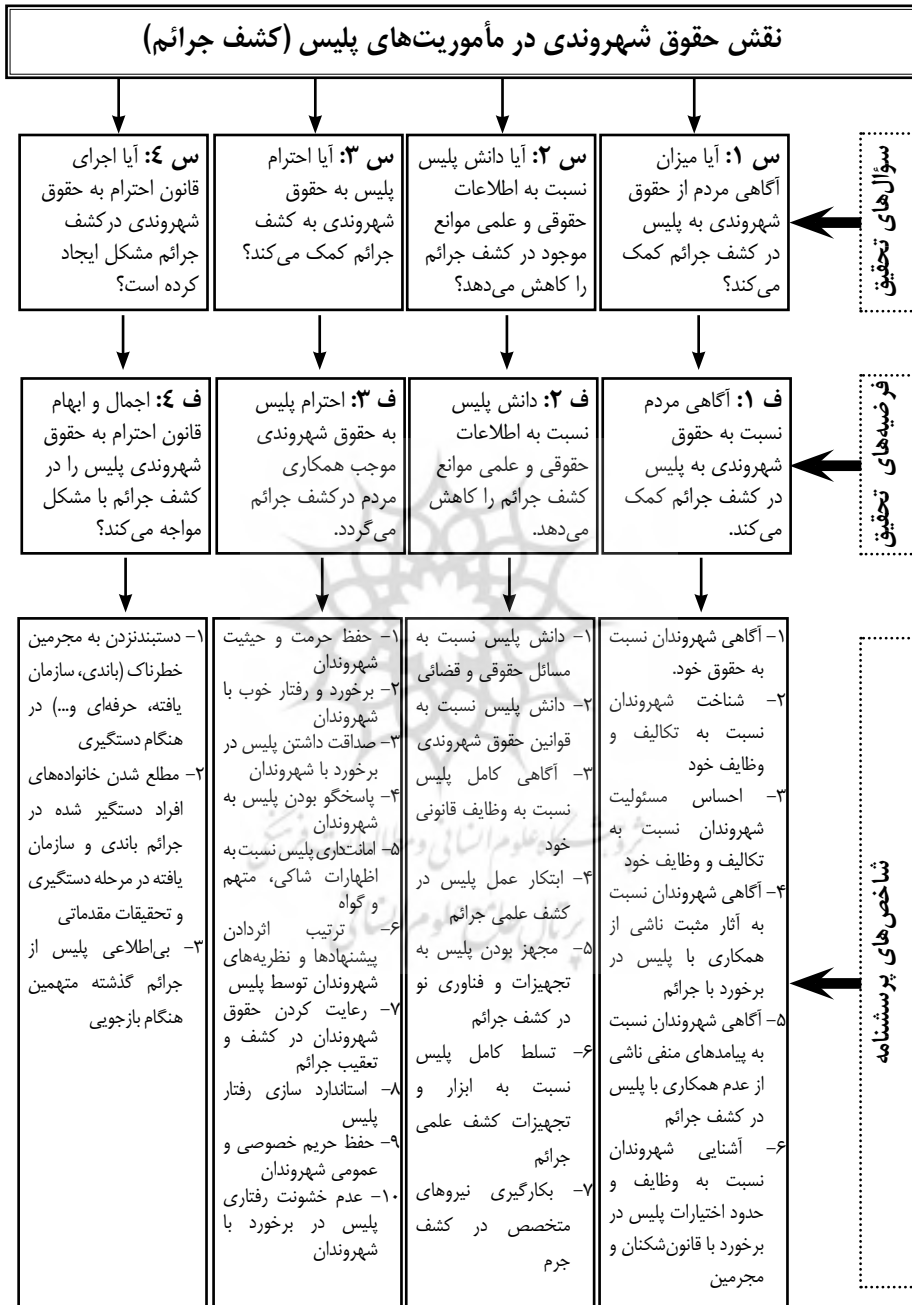
- ۱) آیا میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی به پلیس در کشف جرایم کمک می‌کند؟
 - ۲) آیا دانش پلیس نسبت به اطلاعات حقوقی و علمی موانع موجود را در کشف جرایم کاهش می‌دهد؟
 - ۳) آیا احترام پلیس به حقوق شهروندی به کشف جرایم کمک می‌کند؟
 - ۴) آیا اجرای قانون احترام به حقوق شهروندی در کشف جرایم مشکل ایجاد کرده است؟
- هدف اصلی تحقیق بررسی تأثیر حقوق شهروندی در کشف جرم با تأکید بر قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی است.
- اهداف دیگر این تحقیق عبارتند از: تبیین مشکلات و موانع احتمالی فرآیند کشف جرم با توجه به حقوق شهروندی؛ اطلاع از میزان تأثیر آگاهی مردم از حقوق شهروندی در فرآیند کشف جرم؛ کمک به رفع موانع و مشکلات مأمورین مرتبط با مأموریت کشف جرم در پرتو حقوق شهروندی؛ کمک به نهادینه کردن رویکرد جامعه محوری پلیس.
- فرضیه‌های تحقیق عبارتند از: ۱) آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی به پلیس در کشف جرایم کمک می‌کند؛ ۲) دانش پلیس نسبت به اطلاعات حقوقی و علمی، موانع موجود در کشف جرایم را کاهش می‌دهد؛ ۳) احترام پلیس به حقوق شهروندی موجب جلب همکاری مردم در کشف جرایم می‌گردد؛ ۴) اجمال و ابهام قانون احترام به حقوق شهروندی، پلیس را در کشف جرایم با مشکل مواجه می‌کند.
- چارچوب نظری تحقیق:** در این قسمت به نظریه‌هایی که مرتبط با حقوق شهروندی است به اختصار آمده است.

- ۱ - **نظریه حقوق شهروندی تی. اچ. مارشال:** می‌توان بین سه نظریه مربوط به شهروندی تفکیک قایل شد. نخستین سنت، نظریه «تی. اچ. مارشال^۱» است. در واقع، معروف‌ترین نظریه شهروندی از سوی او مطرح شده است. در نظریه مارشال، سه عنصر مدنی، سیاسی و اجتماعی با یکدیگر مرتبط هستند. او سه دسته حقوق شهروندی را از یکدیگر متمایز می‌کند که با گذشت زمان توسعه یافته‌اند: حقوق و در مقابل، تعهدات سازمانی (مثل حق رأی دادن)، حقوق آزادی مدنی (که از جانب دادگاهها محافظت می‌شوند) و حقوق مشارکت و تأمین عدالت اجتماعی (که در مرکز توجه دولت رفاه قرار گرفته‌اند) (تورنر و ریدن، ۲۰۰۱، ص ۲۹ - ۵۹)
- ۲ - **نظریه حقوق شهروندی فرهنگی ترنر و ریدن:** جامعه شناس برجسته انگلیسی، برایان

1 T.H. Marshal

2 . Turner and Ridden, 2001, pp.29-59

نمودار ۱. رابطه بین سؤال‌های اصلی، فرضیه‌ها و شاخص‌های تحقیق



سؤال‌های تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

شاخص‌های پرسشنامه

ترنر و همکارش جنیفر ریدن^۱، در بخشی از کار خود سنت نظری لیبرال را مورد نقد قرار داده‌اند (ترنر و ریدن، ۲۰۰۱، ص ۲۹ - ۵۹). این دو معتقدند که مدل مارشال براساس شکل خاصی از شهروندی طراحی شده است که ریشه در بطن ملیت‌گرایی اروپای قرن ۱۹ دارد. بحث ترنر و ریدن در نتیجه‌گیری بیانگر آن است که تمام ابعاد شهروندی از طریق فرهنگ مشخص می‌شود. جایگاه قانونی شهروند به شکل نزدیکی با شکل‌های خاص همراه است که قانون در یک جامعه خاص به خود می‌گیرد. در نظریه آنها، منابعی که مشارکت شهروندی را ممکن می‌سازند، شامل منابع فرهنگی هستند و شهروندی آشکارا هویت، ارزش‌ها و دسترسی به منابع فرهنگی، که به شکلی نابرابر در جوامع دارای فرهنگ مشترک توزیع شده‌اند، را در بر می‌گیرند. همان‌گونه که دیدیم، مارشال، ابعاد اجتماعی، سیاسی و مدنی شهروندی را تعریف کرد و هر کدام از آنها را با نظام‌های قضایی، پارلمانی و دولت رفاه در ارتباط قرار داد، اما جنبه فرهنگی شهروندی را از قلم انداخت. لذا حقوق فرهنگی را می‌توان به سه دسته دیگر حقوق مورد بحث مارشال اضافه کرد.

۳ - نظریه حقوق شهروندی اجتماعی هیتز: «هیتز» معتقد است همکاری مشترک بین گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر و صاحب امتیاز در تلاشی دو جانبه به جهت تحقق عدالت اجتماعی بیشتر، خصیصه شهروندی اجتماعی و وظیفه شناسانه است. به زعم وی، شهروندی یک زمینه ذاتا اجتماعی دارد که برای بارور شدن آن، از طریق آموزش شهروندی باید شهروندان جوان را به دانش، نگرش و مهارت‌هایی مجهز کنیم تا آنها بتوانند در رفاه جامعه یا دولتی که عضوی از آن به شمار می‌آیند مشارکت کنند. در شهروندی اجتماعی، فرد می‌باید در مقابل مشکلات ناشی از رقابت برای منابع کمیاب ایمن شود و ضمن تلاش برای کسب منافع شخصی، نسبت به ارائه قضاوت عادلانه و گرفتن تصمیم مناسب نیز مسئول باشد. یک شهروند اجتماعی همان قدر که به مسائل اجتماعی و اقتصادی نگاهی فنی و سودجویانه دارد، نگاه اخلاقی را هم باید لحاظ کند. در واقع در اینجا افراد هم اهدا کننده هستند و هم دریافت کننده. شیوه‌های کمک به افراد بی بضاعت در جامعه و شیوه‌های مطالبه منافع رفاهی، باید به طور همزمان مورد توجه قرار گیرند. عدالت اجتماعی، برابری اجتماعی، کم کردن شکاف طبقاتی، کاهش نرخ تورم، دسترسی همه جانبه افراد به منابع اقتصادی - اجتماعی، همه و همه از جمله عواملی هستند که در شهروندی اجتماعی «هیتز» مورد تأکید قرار می‌گیرند؛ زیرا افرادی که از گسترش اهداف فوق بهره نبرند، هرگز نمی‌توانند به عنوان شهروندان اجتماعی، مستقل و خودباور، عمل کنند (ربانی خوراسگانی و کیان پور، ۱۳۸۶، ص ۹۶).

۴ - حقوق شهروندی در اسلام: در فرهنگ اسلامی، واژه‌هایی مانند «رعیت»، «امت»، «ملت»، «ناس یا مردم» و «ابناء» به چشم می‌خورد که با واژه شهروند، ارتباط تنگاتنگی دارند. در میان

واژه‌های دینی مذکور، واژه «رعیت» از نظر مفهومی و بار سیاسی - حقوقی، از دیگر واژه‌ها به مفهوم «شهروند» نزدیک‌تر است. «رعیت»، به معنای مسئولیت حاکم در برابر مردم، در زبان عربی بار مثبتی دارد، اما معنای منفور آن در زبان فارسی و خلط میان این دو معنا موجب شده است که از اطلاق «رعیت» بر مردم در نظام‌های سیاسی امروز، معنایی منفی به ذهن آید (احمدزاده، ۱۳۸۴، ص ۶۹).

«رعیت» را، در زبان فارسی به گروهی که دارای سرپرست هستند و به کشاورزانی که برای مالک زراعت می‌کنند، و به اتباع پادشاه و تبعه یک کشور، معنا کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۳). آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبر اکرم (ص) در سخنان و سیره حکومتی علی (ع) ادامه یافت، که نامه مالک اشتر و فرازهای حکیمانه نهج البلاغه، برگی زرین از تاریخ پر افتخار دین اسلام در اهتمام به حقوق شهروندی است. این حرکت در سخنان و سیره امامان معصوم (ع) به ویژه در دوران صادقین (ع) به اوج خود رسید (احمدزاده، ۱۳۸۴، ص ۵۰۱).

امیرالمومنین (ع) در مقام بیان لزوم رعایت حقوق شهروندی خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «و اشعر قلبک الرحمه للرعیه و الجنه و اللطف بهم...» «قلب تو نسبت به شهروندان باید ظرف عذوفت، محبت و لطف باشد...» (نهج البلاغه، ج ۲: ۹۸۴)

حق و تکلیف در نظام حقوقی اسلام: در نظام حقوقی اسلام، هر قاعده حقوقی از دو عنصر اساسی ترکیب می‌شود؛ امتیازی برای «ذی حق» و تکلیفی بر «من علیه حق» و هر گاه یکی از این دو عنصر وجود نداشته باشد، قاعده حقوقی، مفهومی نخواهد داشت. بنابراین، اعتبار یک قاعده حقوقی به دو طرف بستگی دارد تا میان آن دو رابطه‌ای در نظر گرفته شود که در آن برای یک طرف، امتیاز و برای طرف دیگر تکلیف و الزامی قرار داده است. به دیگر سخن، حق و تکلیف، به مفهوم حقوقی آن، ثابت می‌شود. در برابر آن، حقی برای فرد یا جامعه منظور شده است. بنابراین حق و تکلیف در نظام اجتماعی همراه و همدوش هم هستند. اگر دولتمردان، حقوقی بر شهروندان دارند، لازمه برخورداری آنان از این حقوق، آن است که شهروندان در برابر آنان تکالیفی بر عهده دارند و همین طور است برخورداری شهروندان از حقوق (ورعی، ۱۳۸۰، ص ۷۳۲).

حضرت علی (ع) حق و وظیفه را متقابل و همسنگ می‌بیند و بیان می‌دارد که هیچ کس حتی خدا هم بی‌آنکه تعهدی به گردن گیرد یک سویه حق خود را اعمال نمی‌کند: حق به سود هیچ کس به جریان نمی‌افتد، مگر اینکه تعهد و تکلیفی هم بر عهده او به جریان اندازد و تکلیفی بر عهده کسی نمی‌نهد مگر اینکه به سود وی جریان یابد. اگر کسی دارای موقعیتی بود که حق تنها به سود او جریان یابد و تعهدی نیز بر عهده او نگذارد آن کس تنها خدای سبحان بوده نه کسی از آفریدگانش. به آن جهت که قدرت او بر بندگانش سایه افکنده است و عدالت در همه فرمان‌هایش جریان دارد، لیکن خدا نیز حق خود را فرمانبرداری بندگانش قرار داده است و در برابر پاداش چند برابر به آن تعهد کرده است (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶ به نقل از: قاسمی و ژیانپور، ۱۳۸۶، ص ۳۹۶).

از این رو، شهروندی مفهومی نیست که صرفاً معرف حقوق شهروندی فرد را از تعرض حاکمیت محافظت می‌کند، وظایف شهروندی نیز گویای وفاداری فرد به حکومتی است که، با استقرار و گسترش مناسبات شهروندی، به فرد امکان می‌دهد تا به عنوان فرد آزاد و مستقل و خود مختار در یکپارچگی با جامعه قرار گیرد.

در حقیقت حقوق شهروندی مثلی است که در درون مثلث وظایف شهروندی قرار گرفته است. از سویی حقوق شهروندان در برابر دولتمردان، از سوی دیگر حقوق دولتمردان در برابر شهروندان است و از سوی سوم حقوق شهروندان نسبت به یکدیگر است. این سه سویه، برای وظایف آنان نیز متصور است. بنابر نظریه ای که دایره وظایف را قدری بیشتر از دایره حقوق می‌داند، که شواهد و قرائنی نیز این نظریه را تأیید می‌کند، مثلث (نمودار ۲) وظایف بر مثلث حقوق سیطره دارد (احمدزاده، ۱۳۸۴، ص ۳۱۱).

نمودار ۲. مثلث حقوق شهروندی در اسلام



نتیجه‌گیری از نظریه‌های حقوق شهروندی: باید توجه داشت که مفهوم شهروندی طی چند دهه اخیر دستخوش تغییرات عمده ای قرار گرفته و نگرش‌های جدیدی به سوی آن معطوف شده است. تأکید کلاسیک روی حقوق یا تعهدات هم اکنون جای خود را به اهمیت مشارکت شهروندان برای تحقق شهروندی کارآمد داده است. در حال حاضر بررسی شهروندی اجتماعی و فرهنگی در قلب مطالعات شهروندی قرار دارد. به عبارت دیگر، اهمیت یافتن ابعاد فرهنگی و مشارکتی شهروندان از یک سو و توجه به امر آموزش و یادگیری شهروندان در راستای افزایش

سرمایه اجتماعی و تحقق یک جامعه مطلوب تر از سوی دیگر، باعث شده است که به نقش آموزش شهروندان از طریق مشارکت در امور اجتماعی و ارتقای فرهنگ شهروندی توجه زیادی مبدول شود. همچنین، با روند فزاینده جهانی شدن، پیوند بین ملیت و شهروندی (مبنای تعریف شهروندی بر اساس ملیت)، تا حد زیادی در دولت - کشور های معاصر مشکل ساز شده است و هویت ملی دیگر مبنای مطمئنی برای ایجاد انسجام و وفاداری ملی، و در نتیجه تعریف شهروندی منطبق با ملیت، نیست.

بنابراین با در نظر گرفتن بسط ارتباطات جهانی، تحرک جغرافیایی و تبادلات فرهنگی ایجاد شکافی بین تعیین حقوقی که شهروندان یک کشور را بر اساس هویت ملی قادر به رقابت با دیگر کشورها سازد و تعهداتی که آنها را در راستای تحقق بخشیدن به تعریفی جهان شمول از مفهوم شهروندی یاری رساند، دور از انتظار نیست. برای رفع این شکاف، نیاز به نگرشی جامع و به روز نسبت به حقوق و تعهدات شهروندی و تقویت هویت فرهنگی لازم است این نگرش باید کم رنگ شدن نقش مرزهای جغرافیایی در تعریف شهروندی و مسائل مربوط به بحران هویت را در نظر بگیرد.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نظر نوع و هدف، کاربردی و از نظر روش و ماهیت، پیمایشی- تحلیلی است. ابزار گردآوری داده‌های پژوهشی پرسشنامه محقق رفته است که رابطه بین سؤال اصلی تحقیق، سؤال‌های فرعی، فرضیه‌ها و شاخص‌های پرسشنامه در نمودار ۱ آمده است. جامعه آماری تحقیق ۶۱ نفر از کارکنان پلیس آگاهی تهران بزرگ و پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجاست که به عنوان صاحب نظران و کارشناسان در کشف جرائم، فعالیت دارند به صورت تمام‌شمار است.

مفاهیم و اصطلاحات: مفاهیم و اصطلاحات به کار رفته در تحقیق در این بخش توضیح داده شده‌اند:

□ **حقوق:** حقوق عبارتست از مجموعه مقرراتی که بر روابط افراد یک جامعه سیاسی، حاکم است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳: ۲۱) به عبارت دیگر حقوق مجموعه قواعد و مقرراتی است که نظم اجتماعی را تأمین می‌کند (نوربها، ۱۳۸۳، ۴۱).

□ **شهروند و شهروندی:** در ادبیات فارسی، شهروند، کسی است که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد (احمد زاده، ۱۳۸۴، ص ۶۹). در حقوق بین الملل، به معنی مصطلح آن، تنها به فردی طبیعی که در واحد سیاسی حکومت از حقوق کامل سیاسی و مدنی بهره‌مند باشد قابل اطلاق است و در علوم اجتماعی، کسی است که از حقوق مدنی برخوردار است. شهروند در ادبیات حقوقی ما، سابقه زیادی ندارد. در ترمینولوژی حقوق دکتر لنگرودی ذکری از کلمه شهروند به میان نیامده است. در ایران تا قبل از مشروطیت به جای این واژه، از کلمه رعیت و رعایا استفاده می‌شد. در فرهنگ‌های دو زبانه مثل فرهنگ حییم

و آریان پور، کلمه شهروند^۲ به معانی: بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت، شهرنشین که از خدمت لشکری و شهربانی آزاد باشد، تعریف شده است. همچنان که واژه اهلیت، تابعیت^۳ به معنی بهره‌مندی از حقوق بومیان یا شهرنشینان تعریف شده است. ظاهراً اولین فرهنگ فارسی به فارسی که کلمه شهروند را تعریف کرده « فرهنگ فارسی امروز» است. در این فرهنگ شهروند چنین تعریف شده است: کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار شود (رضایی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۱۰).

□ **حقوق شهروندی:** حقوق شهروندی دقیقاً ترجمه واژه **Citizenship rights** و عنصر ذاتی آن تابعیت است و در بستر ملی معنا می‌یابد و عمدتاً شامل حقوق مانند حق تعیین سرنوشت، مشارکت در اداره امور کشور و... می‌شود. از این مفهوم با عنوان حقوق شهروندی در معنای مضیق یاد می‌کنند. اما در مفهوم دیگر حقوق شهروندی عمومیت دارد و شهروند در این تعبیر مترادف «انسان بما هو انسان» اما در دنیای متمدن است و تمامی حقوق را که یک انسان در عصر کنونی داراست در برمی‌گیرد (قربان زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

□ **کشف جرم:** کلیه اقداماتی است که حین یا پس از وقوع جرم به منظور شناسایی و جمع‌آوری و بررسی و تجزیه و تحلیل آثار و دلایل جرم و شناسایی و دستگیری متهم و بازجویی از او و... در جهت روشن شدن حقیقت و انتساب یا عدم انتساب جرم به متهم و نهایتاً صدور حکم قضائی صورت می‌گیرد (شریفی، ۱۳۸۱، ص ۶۶). منظور از کشف جرم معنای عام آن است، یعنی کلیه اقداماتی که ضابطین دادگستری و خصوصاً کارکنان نیروی انتظامی تحت نظارت و تعالیم مقام قضائی در کشف جرم، بازجویی مقدماتی، حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از مخفی شدن متهم انجام می‌دهند.

قانون مجازات اسلامی در ماده ۲ جرم را این چنین تعریف می‌کند « هر فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود» (کمالان، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

□ **قانون:** در تعریف قانون چنین گفته اند: « مفهومی است کلی و قضائی و غیر موقت که مجالس ویژه آن را برای اجرا، تصویب می‌کنند و به عموم مردم عرضه می‌دارند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۲۵).

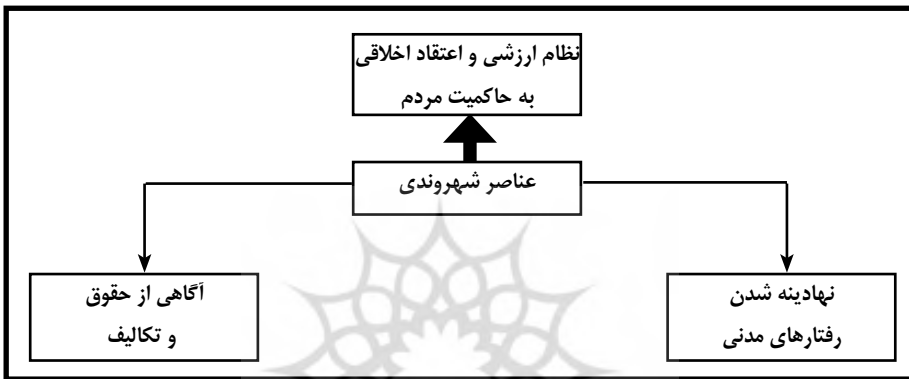
□ **قانون احترام به حقوق شهروندی:** در سال ۱۳۸۳ بخشنامه ای از سوی ریاست محترم قوه قضائیه به مراجع قضائی، انتظامی و اطلاعاتی کشور صادر شد که مبنای تصویب قانونی موسوم به قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی قرار گرفت. این قانون یک ماده و ۱۵ بند دارد.

تعاریف عملیاتی متغیرها: متغیرهای اساسی این تحقیق عبارتند از: آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی، احترام پلیس به حقوق شهروندی، دانش پلیس نسبت به مسائل حقوقی و علمی، اجمال و ابهام قانون احترام به حقوق شهروندی به عنوان متغیر مستقل و کشف جرایم به عنوان متغیر وابسته.

۱- شاخص‌های متغیر مستقل :

الف - آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی: آگاهی در لغت یعنی شناخت، خبر، اطلاع، علم و معرفت (فرهنگ لغت دهخدا). گی ارمه حقوق شهروندی را متشکل از سه عنصر مکمل و جدایی ناپذیر آگاهی، رفتار و ارزش می‌داند. شهروندی بر آگاهی به مجموع حقوق و تکالیفی که از سوی دولت واگذار شده است مبتنی است.

نمودار ۳. عناصر سه‌گانه شهروندی از نظر گی ارمه



بنابراین، شهروند به کسی می‌گویند که هم دارای حقوق مشخصی در شهر باشد و هم به حقوق خود آگاه باشد و هم در اداره امور شهر خود از کوچه محل سکونتش، تا کل شهر، مشارکت کند. در نتیجه انتظارت او از شهر معقول و در حد توان اولیای امور شهر است. وی در تعامل با سایر شهروندان به حقوق آنان نیز حرمت می‌گذارد و آن را مراعات می‌کند.

«رالز» تأکید زیادی بر ثبات قانون، همچون یک تفکر سیاسی دارد؛ او در این باره می‌گوید «یک شهروند ایده‌ال، قانونی را که او باور دارد نادرست است، نقض نمی‌کند. چرا که نقض قانون تهدیدی جدی بر ثبات و دوام قانون به شمار می‌رود. با این وجود، یک شهروند مدنی از شیوه‌های دموکراتیک و دیگر طرق قانونی چون مکاتبه، راهپیمایی و تجمع، و اعمال فشار و... استفاده می‌کند تا توجه همشهریان خود را به قوانین نادرست منطوق دارد(مک کینن، ۲۰۰۰، ص ۱۴۶)».

در مجموع و براساس دیدگاه‌های ارائه شده درباره شهروندی می‌توان مؤلفه‌های اصلی زیر را در فضای مفهومی این پدیده تصور کرد:

- ◆ عضویت در دولت ملت؛
- ◆ حقوق قانونی تضمین شده یا حقوق همگانی موضوعه؛

♦ تعهد و تکالیف قانونی و اخلاقی؛

♦ مشارکت در اجتماع سیاسی، عضویت در انجمن‌ها و ظرفیت فعال برای نفوذ بر سیاست؛

♦ آگاهی (قاسمی و ژیانپور، ۱۳۸۶، ص ۳۹۳).

ب - دانش پلیس نسبت به مسائل حقوقی و علمی: دانش پلیس یعنی توانایی، تسلط، مهارت و تجربه صاحب نظران و کارشناسان کشف جرم که برای اجرای موفقیت آمیز مأموریت کشف جرم ضروری است.

ج - احترام پلیس به حقوق شهروندی: یعنی پلیس در تمام برخوردهای خود در اجتماع ضمن به رسمیت شناختن حقوق افراد، هنگام کشف جرائم از ارباب، توهین و هر نوع سوء رفتار با شهروندان خودداری و به گونه‌ای رفتار کند که مردم از وجود پلیس در اجتماع احساس امنیت کنند.

د - اجمال و ابهام قانون احترام به حقوق شهروندی: گاهی برای بیان یک مطلب خاص عبارت قانون علی‌رغم ظاهر خوب آن عملاً نارساست یا دارای معانی مختلفی است و گاهی هم عبارت قانون، سربسته مطالبی را عنوان می‌کند و معنای آن مجهول به نظر می‌رسد که این موارد حاکی از اجمال و ابهام آن است. در بررسی قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز بندهای ۵، ۶ و ۱۱ آن دارای اجمال و ابهام است.

۱- در بند ۵ قانون مذکور اشاره شده « اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و مهلت مقرره پرونده به مراجع صالح قضائی ارسال شود و خانواده دستگیر شدگان در جریان قرار گیرند.»

۲- در بند ۶ قانون مذکور اشاره شده « در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.»

۳- در بند ۱۱ قانون مذکور اشاره شده که «پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی اجتناب گردد.»

به همین دلیل پیرامون این موضوع یک فرضیه ارائه شده و از طریق پرسشنامه با آزمون‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۲ - متغیر وابسته: متغیر وابسته در این تحقیق « کشف جرم » است. یعنی کلیه اقداماتی که پلیس به عنوان ضابط قضائی حین یا پس از وقوع جرم به منظور شناسایی و جمع‌آوری و بررسی و تجزیه و تحلیل آثار و دلایل جرم و شناسایی و دستگیری متهم و بازجویی او و... در جهت روشن شدن حقیقت و انتساب یا عدم انتساب جرم به او صورت می‌گیرد. تأثیر متغیرهای مستقل در کشف جرم بستگی به نوع عملکرد پلیس دارد و در صورت درست عمل کردن پلیس و مد نظر قرار دادن این متغیرها قطعاً کشف جرائم موفقیت آمیز خواهد بود. ضمن اینکه حقوق شهروندی نیز از تعرض مصون خواهد ماند.

یافته‌ها

□ فرضیه اول: آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی در کشف جرایم تأثیر مثبت دارد.

برای بررسی این فرضیه، از شش شاخص مختلف استفاده شده است. سپس نتایج حاصل با دو آزمون علامت و آزمون t به شرح جداول ۱ و ۲ مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

جدول ۱: نتیجه آزمون علامت فرضیه تأثیر آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی

فرآوانی	فرآوانی میانگین‌های کمتر از ۵۰	فرآوانی میانگین‌های مساوی با ۵۰	فرآوانی میانگین‌های بیشتر از ۵۰	سطح معناداری	میان
۶۱	۲۲	۱	۳۸	۰/۰۲۶	۶۲/۵۰

جدول ۲: نتیجه آزمون t یک نمونه‌ای فرضیه تأثیر آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی

فرآوانی	میانگین	انحراف معیار	کران پایین ۹۵ درصد	آماره t	سطح معناداری
۶۱	۶۲/۲۳	۲۵/۳۲	۵۶/۸۱	۳/۷۷	۰/۰۰۰

با توجه به مقادیر حاصل از آزمون علامت، با میان ۶۲/۵۰ و سطح معناداری (Sig = ۰/۰۲۶) با اطمینان ۹۵٪ فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ ضمن این که سطح معناداری (Sig = ۰/۰۰۰) و آماره $t = ۳/۷۷$ به دست آمده از آزمون t یک نمونه‌ای نیز نشان‌دهنده آن است که این آزمون نیز با اطمینان ۹۹٪ نتیجه حاصل از آزمون علامت را تأیید می‌کند. لذا در کل فرض H_0 رد و فرضیه مذکور مورد تأیید قرار می‌گیرد.

ضمناً آزمون فریدمن ترتیب و توالی میزان تأثیرگذاری هر یک از شاخص‌های مربوط به فرضیه فوق را به شرح زیر محاسبه کرده است.

- ✓ احساس مسئولیت شهروندان نسبت به تکالیف و وظایف خود «۳/۸۳»
- ✓ آگاهی شهروندان نسبت به آثار مثبت ناشی از همکاری با پلیس در برخورد با جرایم «۳/۷۷»
- ✓ آگاهی شهروندان نسبت به آثار منفی ناشی از عدم همکاری با پلیس در کشف جرایم «۳/۶۸»
- ✓ شناخت شهروندان نسبت به تکالیف و وظایف خود «۳/۳۹»
- ✓ آگاهی شهروندان نسبت به حقوق خود «۳/۱۹»
- ✓ آشنایی شهروندان نسبت به وظایف و اختیارات پلیس در برخورد با قانون شکنان و مجرمین «۳/۱۴»

□ فرضیه دوم: دانش پلیس نسبت به اطلاعات حقوقی و علمی، موانع موجود در کشف جرایم را کاهش می‌دهد.

برای بررسی این فرضیه، از هفت شاخص مختلف استفاده شده است. سپس نتایج حاصل با دو آزمون علامت و آزمون t به شرح جداول ۳ و ۴ مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

جدول ۳: نتیجه آزمون علامت فرضیه تأثیر دانش پلیس نسبت به اطلاعات حقوقی و علمی

فراوانی	فراوانی میانگین‌های کمتر از ۵۰	فراوانی میانگین‌های مساوی با ۵۰	فراوانی میانگین‌های بیشتر از ۵۰	سطح معناداری	میان‌ه
۶۱	۱۰	۳	۴۸	۰/۰۰۰	۸۵/۷۱

جدول ۴: نتیجه آزمون t یک نمونه‌ای فرضیه تأثیر دانش پلیس نسبت به اطلاعات حقوقی و علمی

فراوانی	میانگین	انحراف معیار	کران پایین ۹۵ درصد	آماره T	سطح معناداری
۶۱	۷۲/۶	۲۶/۵۲	۶۶/۹۳	۶/۶۶	۰/۰۰۰

با توجه به مقادیر حاصل از آزمون علامت، با میان‌ه ۸۵/۷۱ و سطح معناداری (Sig = ۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۹٪ فرضیه فوق تأیید می‌گردد، ضمن این‌که سطح معناداری (Sig = ۰/۰۰۰) و آماره $t = ۶/۶۶$ به‌دست آمده از آزمون t یک نمونه‌ای نیز بیانگر آن است که این آزمون نیز با اطمینان ۹۹٪ نتیجه حاصل از آزمون علامت را تأیید می‌کند. لذا در مجموع فرض H_0 رد و فرضیه فوق تأیید می‌گردد.

آزمون «فریدمن» علاوه بر تعیین رتبه‌بندی فرضیات، ترتیب و توالی میزان تأثیرگذاری هر یک از شاخص‌های مربوط به فرضیه فوق را نیز رتبه‌بندی کرده است:

- ✓ ابتکار عمل پلیس در کشف علمی جرایم «۴/۵۸»
- ✓ آگاهی کامل پلیس نسبت به وظایف قانونی خود «۴/۲۵»
- ✓ به‌کارگیری نیروهای متخصص در کشف جرم «۴/۱۳»
- ✓ تسلط کامل پلیس نسبت به ابزار و تجهیزات کشف علمی جرایم «۴/۰۰»
- ✓ مجهز بودن پلیس به تجهیزات و فناوری نوین در کشف جرایم «۳/۹۸»
- ✓ دانش پلیس نسبت به مسائل حقوقی و قضائی «۳/۷۶»
- ✓ دانش پلیس نسبت به قوانین حقوق شهروندی «۳/۳۰»

□ فرضیه سوم: احترام پلیس به حقوق شهروندی موجب جلب همکاری مردم یا شهروندان در کشف جرایم می‌گردد.

برای بررسی این فرضیه، از ده شاخص مختلف استفاده شده است. سپس نتایج حاصل با دو آزمون علامت و آزمون t به شرح جداول ۵ و ۶ مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

جدول ۵: نتیجه آزمون علامت فرضیه تأثیر احترام پلیس به حقوق شهروندی

فرآوانی	فرآوانی میانگین‌های کمتر از ۵۰	فرآوانی میانگین‌های مساوی با ۵۰	فرآوانی میانگین‌های بیشتر از ۵۰	سطح معناداری	میان‌ه
۶۱	۸	۱	۵۲	۰/۰۰۰	۷۲/۵۰

جدول ۶: نتیجه آزمون t یک نمونه ای فرضیه تأثیر احترام پلیس به حقوق شهروندی

فرآوانی	میانگین	انحراف معیار	کران پایین ۹۵ درصد	آماره T	سطح معناداری
۶۱	۶۹/۶۳	۲۱/۵۴	۶۵/۰۲	۷/۱۲	۰/۰۰۰

با توجه به مقادیر به دست آمده از آزمون علامت، با میان‌ه ۷۲/۵۰ سطح معناداری (Sig = ۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۹٪ فرضیه فوق تأیید می‌گردد، ضمن این‌که سطح معناداری (Sig = ۰/۰۰۰) و آماره $T=۱۲/۷$ به دست آمده از آزمون t یک نمونه‌ای نیز نشان دهنده آن است که این آزمون نیز با اطمینان ۹۹٪ نتیجه حاصل از آزمون علامت را تأیید می‌کند. لذا در مجموع فرض H_0 رد می‌گردد و فرضیه موردنظر مورد تأیید قرار می‌گیرد.

آزمون «فریدمن» پیرامون شاخص‌های فرضیه احترام پلیس به حقوق شهروندی نیز به عمل آمده که ترتیب و توالی میزان تأثیرگذاری هر یک از شاخص‌های فرضیه فوق به شرح زیر رتبه‌بندی شده است.

- ✓ امانت داری پلیس نسبت به اظهارات شاکی، متهم و گواه «۷/۲۷»
- ✓ صداقت داشتن پلیس در برخورد با شهروندان «۶/۲۳»
- ✓ برخورد و رفتار خوب با شهروندان «۶/۰۳»
- ✓ پاسخگو بودن پلیس به شهروندان «۵/۸۶»
- ✓ استاندارد سازی رفتار پلیس «۵/۷۸»
- ✓ عدم خشونت رفتاری پلیس در برخورد با شهروندان «۵/۰۶»
- ✓ حفظ حریم خصوصی و عمومی شهروندان «۴/۹۷»
- ✓ حفظ حرمت و حیثیت شهروندان «۴/۸۱»
- ✓ رعایت کردن حقوق شهروندان در کشف و تعقیب جرایم «۴/۷۹»
- ✓ ترتیب اتردادن به پیشنهادها و نظریه‌های شهروندان «۴/۲۰»

□ فرضیه چهارم: اجمال و ابهام قانون احترام به حقوق شهروندی پلیس را در کشف جرایم با مشکلات مواجه می‌کند.

برای بررسی این فرضیه، از سه شاخص مختلف استفاده شده است. سپس نتایج حاصله با دو آزمون علامت و آزمون t به شرح جداول ۷ و ۸ مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

جدول ۷: نتیجه آزمون علامت فرضیه اجمال و ابهام قانون احترام به حقوق شهروندی

فرآوانی	فرآوانی میانگین‌های کمتر از ۵۰	فرآوانی میانگین‌های مساوی با ۵۰	فرآوانی میانگین‌های بیشتر از ۵۰	سطح معناداری	میان‌ه
۶۱	۳	۱	۵۷	۰/۰۰۰	۸۳/۳۳

جدول ۸: نتیجه آزمون t یک نمونه‌ای فرضیه اجمال و ابهام قانون احترام به حقوق شهروندی

فرآوانی	میانگین	انحراف معیار	کران پایین ۹۵ درصد	آماره T	سطح معناداری
۶۱	۸۴/۸۴	۱۸/۶۰	۸۰/۸۶	۱۴/۶۲	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون علامت، با میان‌ه ۸۳/۳۳ و سطح معناداری (Sig = ۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۹٪ فرضیه فوق تأیید می‌گردد، علاوه بر این سطح معناداری (Sig = ۰/۰۰۰) و آماره $t=14/62$ حاصل شده از آزمون t یک نمونه‌ای نیز نشان‌دهنده آن است که این آزمون نیز با اطمینان ۹۹٪ نتیجه حاصل از آزمون علامت را تأیید می‌کند. لذا در کل فرض H_0 رد می‌شود و فرضیه مذکور مورد تأیید قرار می‌گیرد.

آزمون «فریدمن» پیرامون شاخص‌های به کار رفته در فرضیه فوق به عمل آمده که ترتیب و توالی میزان تأثیرگذاری هر یک از شاخص‌ها را به شرح زیر محاسبه کرده است:

✓ دستبند زدن به مجرمین خطرناک (باندی، سازمان یافته، حرفه‌ای و...) در هنگام دستگیری « ۱۱/۲ »

✓ بی‌اطلاعی پلیس از جرایم گذشته متهمین در هنگام بازجویی « ۲/۹۰ »

✓ مطلع شدن خانواده‌های افراد دستگیر شده در جرایم باندی و سازمان یافته در مرحله دستگیری و تحقیقات مقدماتی « ۱/۰۸ »

بحث و نتیجه گیری

سه فرضیه اول به دلیل هم جهت بودن در هدف به ترتیب آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی بر کشف جرائم، تأثیر دانش پلیس نسبت به اطلاعات حقوقی و علمی بر کشف جرائم و تأثیر احترام پلیس به حقوق شهروندی بر کشف جرم اشاره دارند. با توجه به اینکه هر سه فرضیه مورد تأیید قرار گرفته‌اند، با استفاده از آزمون ناپارامتری « فریدمن »، که اساس آن مقایسه میانگین رتبه‌ها است از بین این سه فرضیه، فرضیه‌ای که از سوی پاسخگویان اهمیت بیشتری داشته مشخص کرده ایم که نتایج آن به شرح جداول ۹ و ۱۰ می‌باشد.

جدول ۹. مقایسه میانگین رتبه فرضیه‌ها بر اساس آزمون فریدمن

ردیف	فهرست فرضیه‌ها	میانگین رتبه‌ای
۱	فرضیه دوم	۲/۸۳
۲	فرضیه سوم	۱/۴۹
۳	فرضیه اول	۱/۸۶

جدول ۱۰: نتیجه آزمون فریدمن در تأیید میانگین رتبه‌ای فرضیه‌ها

فراوانی	کای - اسکوتر (χ^2)	درجه آزادی (df)	سطح معنی دار (sig)
۵۶	۱۵/۱۳۷	۲	۰/۰۰۱

با توجه به جداول ۹ و ۱۰، فرضیه دوم با میانگین ۲/۳۸ بالاترین رتبه را در بین فرضیه‌های اول تا سوم داراست. ضمن اینکه مقدار آماره کای اسکوتر ($\chi^2=۱۵/۱۳۷$) و سطح معناداری ($Sig=۰/۰۰۱$) تفاوت مشاهده شده بین رتبه‌ها را با اطمینان ۹۹٪ تأیید می‌کند.

شایان ذکر است فرضیه اجمال و ابهام داشتن قانون احترام به حقوق شهروندی به دلیل هم جهت نبودن با سه فرضیه دیگر در رتبه‌بندی فرضیات قرار نگرفته و نقش آن فقط از طریق آزمون علامت و آزمون t مورد بررسی واقع شده و در نهایت با نتیجه بسیار قوی مورد تأیید قرار گرفته است. اما با پرهیز کامل از هر گونه جهت‌گیری و تعصب و صرفاً با نگرش محض علمی به نظر می‌رسد:

- ✓ قانون مذکور از حیث امنیتی بسیار یکسویه باشد.
- ✓ صرفاً حقوق و آزادی‌های فردی در نظر گرفته شده و تکلیف شهروندی و حفظ حقوق جمعی و امنیت اجتماعی مغفول مانده است.
- ✓ هیچ تمایزی بین مجرمین عادی و مجرمین خطرناک و مرتکبین جرایم عمومی و جرایم امنیتی وجود ندارد و حقوق یکنواختی را برای تمامی متهمین به طور یکسان در نظر گرفته‌اند. این در حالی است که در تمامی کشورهای پیشرفته قانونگذار برای مرتکبین جرایم مهم و خطرناک (مثل جرایم تروریستی، مواد مخدر، جرایم سازمان یافته و...) محدودیت‌هایی را نسبت به سایر متهمین عادی قائل شده‌است. و برخورد دوگانه با متهمین عادی و خطرناک عقلاً و عرفاً نیز قابل توجیه است.

در اکثر کشورهای دیگر، قانونگذار در کنار حفظ و حمایت از حقوق اشخاص، حمایت زائدالوصفی را از مأمورین به عمل می‌آورد و هرگونه مقاومت یا تجری در مقابل مأمورین با شدت عمل قانونی از سوی رویه قضائی مواجه می‌شود. این حق و تکلیف دو سویه، موجب ایجاد تعامل شده، هم

حقوق فردی را تضمین کرده و هم اقتدار قانونی مأمورین حافظ قانون را تأمین می‌کند در حالی که در بند های اشاره شده از قانون مذکور کاملاً یکطرفه است. همان‌گونه که قانونگذار ضرورت حفظ حقوق و آزادی‌های فردی را محترم شمرده، باید در زمینه حفظ و حمایت از امنیت عمومی و مصالح اجتماعی نیز تمهیدات لازم اندیشیده شود. اقدام یک سویه حاضر عرصه را برای سوء استفاده عناصر مخل به نظم و امنیت کشور مهیا و در مقابل برای مأمورین دولتی در برابر مجرمین خاص، محدودیت‌های غیرقابل قبولی ایجاد کرده است.

پیشنهادها: برای بهبود حقوق شهروندی این موارد پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- در جهت افزایش آگاهی مردم نسبت به حقوق خود و تکالیف ناچا در کشف جرم با استفاده از وسایل ارتباط جمعی، رسانه ملی و... برنامه‌های وسیع برای گروه‌های مختلف اجتماعی در جوامع شهری و روستایی برگزار گردد.
- ۲- حقوق و تکالیف شهروندان مرتبط با وظایف پلیس و همچنین نحوه همکاری آنان با پلیس در کشف جرایم در قالب بسته‌های آموزشی (جزوه، کتاب و...) تهیه و به منازل مردم فرستاده شود.
- ۳- در مساجد بعد از نمازهای جماعت و در مدارس در ساعات مخصوص اقدام به اطلاع رسانی و آگاهی دادن به مردم و دانش‌آموزان در ارتباط با حقوق شهروندان و مأموریت‌های پلیس به خصوص کشف جرایم اقدام شود.
- ۴- آموزش مستمر آن دسته از کارکنان پلیس که به عنوان ضابط قضائی در امر کشف جرایم و تحقیقات مقدماتی فعالیت دارند به ویژه در حوزه حقوقی و اجتماعی. ضمناً بهتر است آموزش‌های تخصصی پلیس به عنوان ضابط قضائی سالانه با توجه به علوم روز به صورت کارگاهی (مثلاً ۱۵ روزه) اجرا شود.
- ۵- به کارگیری فناوری مدرن و به روز در کشف جرایم.
- ۶- تقویت شاخص‌های تأثیرگذار بر روابط تعاملی پلیس و مردم.
- ۷- ترتیب اثر دادن نظرهای سازنده شهروندان پیرامون کشف جرم و برخورد با قانون شکنان.
- ۸- افزایش خدمات انتظامی و اجتماعی پلیس به مردم از طریق توسعه امکانات و بهره‌گیری از فناوری.
- ۹- برخورد قاطعانه با جرایمی که منجر به از بین رفتن امنیت اجتماعی می‌شود.
- ۱۰- اطلاع رسانی در برخورد با جرایمی که عواطف و احساسات مردم را جریحه دار می‌کند.
- ۱۱- از طرف معاونت حقوقی و امور مجلس ناچا هیئتی به نمایندگی از سوی ناچا با مسئولین قوه قضائیه خصوصاً دادسراها جلسه مشترک داشته باشند و در صورت اتفاق نظر مبنی بر اجمال و ابهام داشتن بندهای اشاره شده در قانون احترام به حقوق شهروندی در قالب پیش نویس یک لایحه موضوع را به دولت یا قسمت پارلمانی قوه قضائیه منعکس کنند تا اصلاحات لازم به عمل آید.

۱۲- از طرف معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا با مسئولین قوه قضائیه جلسه‌ای تشکیل و نسبت به موارد فوق شفاف سازی شود تا مأمورین در اجرای قانون یکسان عمل کنند.

کتابنامه

منابع فارسی:

- اداره کل حقوق شهروندی قوه قضائیه (۱۳۸۴). **مجموعه قوانین و مقررات حقوق شهروندی**. تهران: فکر سازان.
- احمدزاده، سید مصطفی (۱۳۸۴). **اندیشه حوزه**. سال یازدهم، شماره ۵۶.
- انصاری، رضا (۱۳۸۵). **بررسی تطبیقی ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری**. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**. جلد پنجم. تهران: گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۳). **مقدمه عمومی علم حقوق**. تهران: گنج دانش.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). **لغت نامه دهخدا**، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ربانی خوراسگانی، علی و کیان پور، مسعود (۱۳۸۶). **مکاتب علمی و دیدگاههای نظری در باب حقوق شهروندی**. از مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، ویژه بزرگداشت هفته قوه قضائیه.
- رضایی پور، آرزو (۱۳۸۵). **مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی**. تهران: آرین.
- شریفی، حسن (۱۳۸۱). **بررسی کارآیی سیستم های نرم افزاری کشف جرم در معاونت آگاهی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ**. دانشگاه تربیت مدرس.
- قاسمی، وحید و ژیان پور، مهدی (۱۳۸۶). **مشارکت در امور شهری به مثابه حق و وظیفه شهروندی**. از مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، ویژه بزرگداشت هفته قوه قضائیه، تهران.
- قربانزاده، حسین (۱۳۸۵). **حفظ حقوق شهروندی در پرتو اصول حاکم بر دادرسی منصفانه**. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۴). **نگاهی به حقوق شهروندی و آزادی های مشروع**. تهران: قضاء.
- ورعی، سیدجواد (۱۳۸۰). **حقوق و وظایف شهروندان ودولتمردان**. قم: دبیرخانه مجلس خبرگان.

منابع انگلیسی:

- Heater , Derek (1990). **Citizenship: The Civic Ideal in World History; Politics and Education**. London: Longman.
- Turner , Bryan & Ridden , Jennifer (2001). **Balancing Universalism and Diversity** . /n and Schemmann , M. (Eds). **Civil Sochety , Citizenship And Learning**. Hamburg , Munster , pp. 29 – 59.
- Mckinnon, Catriona (2000). **The Demands of Citizenship**, pp. 146.

سایر منابع برای مطالعه بیشتر:

- اداره کل اجتماعی و فرهنگی قوه قضائیه (۱۳۸۶). **مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی**، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات اداره کل اجتماعی و فرهنگی قوه قضائیه.

نقش حقوق شهروندی در مأموریت‌های کشف جرم □ ۳۳۱

- برائعی‌پور، مهدی (۱۳۸۳). **شهروندی و سیاست نو فضیلت‌گرا**. تهران: موسسه مطالعات ملی تمدن ایرانی.
- بسته‌نگار، محمد (۱۳۸۰). **حقوق بشر از منظر اندیشمندان**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بهشتی، محمد (۱۳۷۸). **فرهنگ لغت صبا**. تهران: صبا.
- پرویزی، رضا (۱۳۷۹). **پیشگیری وضعی و نقش آن در پیشگیری از قتل**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- رضوی، محمد (۱۳۸۰). **ضابطین عام دادگستری در امور کیفری**. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). **مقدمه علم حقوق**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کمالان، مهدی (۱۳۸۶). **قانون مجازات اسلامی**. تهران: کمالان.
- کیس، فالکس (۱۳۸۴). **حقوق شهروندی**. ترجمه عبدالعزیز ویسی. تهران: سیروان.
- گوری، کی و دیگران (۱۳۶۱). **مفاهیم و روش‌های آماری**. جلد اول. ترجمه مرتضی ابن شهرآشوب. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نجابتی، مهدی (۱۳۸۲). **پلیس علمی (کشف علمی جرائم)**. تهران: سمت.
- نوربها، رضا (۱۳۸۳). **زمینه حقوق جزای عمومی**. تهران: داد آفرین.
- هس کارن ام. و میلر، لیندا اس (۱۳۸۲). **پلیس در اجتماع**. جلد اول، ترجمه رضا کلهر. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.

